

THE WAR OF THE REALMS IS COMING IN 4 MONTHS

MARVEL

11

LGY#701

AARON • MCGUINNESS • SMITH • MORALES • HANNA • ARCINEGA

EARTH'S MIGHTIEST HEROES

THE AVENGERS

RATED T+



انتقام جویان

قسمت ۱۱



**فیل کالسون.
 مأمور پیشین شیلد.
 تصور می شود مرده است.**

مثل
 بت بزرگشون
 کرده بودم.

همشونو.

حتی اونهایی
 که هرگز در موردشون
 نشنیدید.

خیلی
 افراطی بودم.

وقتی بچه بودم
 عادت داشتم کارت های
 کوچکی بسازم و قدرت و
 حدسیات مبنی بر اطلاعات
 شخصی از منشأ اونها رو
 جدول بندی کنم.

خیلی
 خجالت آورده.
 طی سالیان پول زیادی
 رو صرف خرید کارت های
 بازی قدیمی کاپیتان آمریکا
 کردم.

این رو الان
 بهتون می گم چون می دونم
 هرگز به کسی در اینباره
 چیزی نخواهید گفت.

ضمناً... من
 دیگه از
 ابرقهرمان ها بت
 نمی سازم. من
 بزرگ شدم...

...پنج ثانیه
 قبل از اینکه
 بمیرم.

تمام این
 علاقه از من به بیرون
 تراوش کرد. از سوراخی که
 گلوله ای در قفسه سینه ام
 ایجاد کرده بود.



حتی
 اتومبیل منو
 هم نابود کرد. چه
 انسان کوچک و
 مریضی.

هر جا هستی
 ددپول، بخاطر
 لولای من، مدیونم
 هستی.

ولی می دونم
 که باید متشکر هم
 باشم. چون اگه به عنوان
 بخشی از یک نبرد ابرقهرمانی
 مسخره نمرده بودم، نور
 رو هرگز نمی دیدم.

الان قدرت و تعهد
 که برای انجام کارهایی که
 برای دفاع از این کشور لازمه
 نداشتم.

ولی اینها
 سؤال شما رو جواب
 نمی دن، درسته؟

چیزی که
 الان می خواهی
 بدونی اینه که چرا
 من این اسلحه رو به
 دست گرفتم؟

و چرا قراره اونو
 به سمت صورتت
 بگیرم و ماشه رو
 بکشم؟

جواب
 ساده است.

"بخاطر انتقام جویان."

کوهستان انتقام جویان

می خواهی
بگی که حتی
یه بار هم روغن
اینو عوض
نکردی؟

یه بار سعی
کردم این کارو بکنم
ولی چیززی نمونده بود
که ماشین دستمو گاز بگیره.
اگه جای شما بودم
سرمو نمی کردم زیر
کاپوت خانم کارول.

من تو
کوهستان انتقام جویان
با این ماشین یه جا می خوابم.
اگه دود این ماشین سمی
باشه یا داشبورده اون دروازه ای
به جهنم باشه، ترجیح می دم
بدونم.

صندوق
عقب دروازه ای
به سمت جهنمه.

دیدی، الان
تازه داری اطلاعات مفید
می دی. تو یه انتقام جو هستی
رابی ریس، معلوم نیست
کی یه پورتال جهنمی به
درد بخوره.

همین الان
از یکی از اونها
می توئم استفاده کنم.
نمی دونستم انتقام جو شدن
این همه مشق داره.

هه. آره.

من یادم میاد استیو
سؤال هایی در مورد تشخیص
ابر شرورها ازم می پرسید.

استیلت من.
پاهای تلسکوپی
زره اون بازوهای
انتقال قدرت هیدرولیک
قدرتمندی داره. نقطه
ضعفش: روی میله
راه می ره.

چه باور کنی
چه نکنی، این سؤال ها
چند باری زندگی منو نجات
دادند. پس جوری بخونشون
که انگار زندگیت بهشون
بستگی داره.

چون
همینطوره.

اون کاربوراتوره
یا یه گونی تخم مرغ؟
شاید هر دو؟



مفیستو. چرا این اسم به نظرم آشنا میاد؟

گاگ، نمی شه دوباره با اون مرد ماهی ها بجنگیم؟ بقیه کجان؟



آره، ولی من قبلا...

به زبون نیارش! نمی خوام دوباره داستان تو رو بشنوم که چطور دست تنها تونستی "میزبان نهایی" رو شکست بدی!

تو یه بار دنیا رو نجات دادی بچه. تبریک می کم. شرط می بندم حتی اسپایدرمن هم بیشتر از تو دنیا رو نجات داده.

می خواهی عالی باشی؟ می خواهی تو همه کارهات عالی باشی؟ پس توی همه بخش های زندگیت و هر روز بهترین باش. آدم های بزرگ اینطوری اند.

فکر می کنی کاپیتان آمریکا درباره تکالیفش اعتراض کرده؟

بلک پنتر طبقه بالا یه جلسه مهم داره. مزاحمش نشو.

اگه تونی اینجا بود، می تونستی تا دلت بخواد اذیتش کنی. ولی اون و استیو رفتند پی یه کار تونی استیوی.

مهمون جدیدمون بلید هم مشغول استراحته. اون یه خون آشامه. جای تو بودم، مزاحم اون هم نمی شدم.

من هم که دارم می رم یه کنفرانس تلفنی با هشت رهبر بین کجکشان داشته باشم. پس متأسفانه نمی تونی مزاحم من هم بشی.

چند روز پیش یه کوریل اینجا نبود که تاب می خورد؟ هی ثور و هالک کجا هستند؟

آهان، اونجا با هم مشغول انجام یه ماموریت سری هستند.

هر وقت تونستی یه گریزی به کتاب ها بزن کست رایدر. نگران نباش. خیلی زود یه فاجعه دیگه اتفاق می افته...



لحظه...
یه

بیشتر؟

نه،
دیگه
نوشیدنی
بسه.

ببین...
بقیه دوست دخترهاتو
هم آوردی اینجا؟

همم؟
نمی فهمم.
از اینجا خوست
نیومده بانو
جنیفر؟

نه،
عالیه. منظورم
اینه که...

...کیه که خوشش
نیاد برای قرار بره
به سرزمین وحشی؟

اژدهاهای جنگی
کافی نیست؟ اگه
دوست داشته باشی
می کم کا-زار چند تاشو
خبر کنه...

نه، تعداد
اژدهاها به
اندازه کافی
هست.

رون بوقلمون،
نوشیدنی و دایناسور.
باید حدس می زدم با
ثور قرار گذاشتن چطور
می تونه باشه.

تازه دارم
می فهمم که چرا چند
قرنه مجرد موندی.

هاه! ثور یه
فکر خوب به نظرش
رسیده! چطوره به دایناسورها
نوشیدنی بدیم!

میزبان نبایی،
لطفا برگرد...

کوهستان انتقام جویان اتاق عدن

لازم نیست
بهتون یادآوری کنم که
در این زمان خطرات بی همتایی
وضع سیاره ما رو متلاطم کرده اند.
شما از همه بهتر می دونید.

اگر می خواهیم
به کار نجات این دنیا از
دست مهاجمان و بعضی وقت ها
از خود دنیا ادامه بدیم...

...نظر من
اینه که باید همه
ما تلاش کنیم تا به فراتر
از مرزها فکر کنیم و اختلافات
مرزی و نژادی رو کنار
بذاریم.

و این کار
با من شروع
می شه.

به عنوان
پادشاه واکاندا و رئیس
جدید انتقام جویان، می خوام امروز
به همه شما قول بدم که...منابع
من همیشه در اختیار
متحدانم خواهد بود.

چرا
تون رو متقاعد کردی خدمات
کیتینگ رو ارائه بده. شروع
نمی کنی تچالا؟

متقاعد کردن
لازم نبود شامان. اگه تونی
نمی خواد که من از لباس های
نشسته اش استفاده کنم.
نباید اونجا رو همه
جا بریزه.

لطفاً...از
خودتون پذیرایی کنید.
لازم نیست این جلسه
رسمی باشه.

به همین
دلیل اینجاییید. و
اینکه شما بزرگترین
قهرمانانی هستید که
جهان به خود دیده.

از اینکه دعوت
منو برای شرکت در این جلسه
مهم بین المللی پذیرفتید، متشکرم.
از صمیم قلب امیدوارم که امروز بتونه نقطه
شروعی باشه بر همکاری های جدید.



این منابعی که از شون صحبت می کنید بسیار قابل توجه هستند اعلیحضرت. از معادن و پیرانیوم واکاندا گرفته تا این قرارگاه جدید شگفت انگیز همگی مملو هستند از تکنولوژی کیهانی.

البته اینها غیر از شبکه سری از مأموران هستند که شنیدیم دارید تربیت می کنید.

پس لطفاً بفرمایید که برای اتحاد با پادشاه جدید انتقام جویان چه التزاماتی هست؟



سالها ما به شیوه های مختلف به گسترش زیرساخت جهانی شیلد چشم داشتیم. زیرساختی که عقیم ماند.

من قصد ندارم شیلد رو از نو سازماندهی کنم، ولی بدنبال ایجاد شبکه حمایتی برای انتقام جویان هستم. شبکه ای برای حمایت از تمامی آنهایی که در یک میدان مشغولند. مثل شما سان فایر از ژاپن.



به نظر من همکاری در این موقعیت کلمه کلیدی. همه ما می دونیم که تچالا طی سالهای گذشته بواسطه روراستی خودش شهرت نداشته.

پس اگه اون می خواد که گذشته رو کنار بذاره تا ما بتونیم آینده بهتری رو بسازیم، کاپیتان بریتانیا هم تمایل خود بر حضور در این معاهده رو اعلام می کنه.

لطفاً در موردش جوک نسازید.



ما اقیانوس ها رو هم داریم از دست می دیم. نیمور این دفعه عقلش رو از دست داده. اگر ما اینجا نتونیم با هم کار کنیم، این احتمال وجود داره که به تنهایی غرق بشیم.

ناوید راست می که. ما نمی تونیم با در نظر نگرفتن همدیگه کار نیمور رو تکرار کنیم. ما هرگز نمی تونیم سر همه چیز اتفاق آراء داشته باشیم ولی باید احترامی متقابل بین ما حکمفرما باشه...

هاه، به سابرا و شوالیه عرب نگاه کنید! حتی یهودی ها و مسلمان ها هم با هم توافق دارند.

چقدر رقت انگیزه.

پلنگ اسباب بازی های
براقش رو جلوی شما گرفته
و همه شما صف کشیدید تا حلقه
و پیرانیومی اونو ببوسید.

گر به کوچولو
بیا دستت رو بگیر
جلوی دهن من، ببین
چه اتفاقی می افته.

نگهبان زمستان
به کمک شما یا اطلاعات
شما نیازی نداره. و اطلاعات
خودمون رو هم قطعاً قرار
نیست به شما بدیم.



مواظب باشید.
خرس حالت
طبیعی نداره.

با کمال احترام باید به سرگرد شوروی
سابق بگم که همین طرز تفکر مرزبندی
شده بود که در نبردمون برای نجات
هایدروپلیس دچار تفرقه بشیم.

من نمی تونم نکته
مثبتی در جهت گیری های
متخاصمانه برای نگهبان زمستان
یا انتقام جویان ببینم. مخصوصاً
اگر حملات نیمور ادامه
پیدا کنه.

جزئیات هنوز کاملاً
مشخص نیستند، ولی سه
روز پیش حادثه دیگه ای در نزدیکی
سواحل آلاسکا اتفاق افتاده.
جایی که...

آها!

خوب بالاخره رفتیم سر اصل
موضوع! ما رو نیارودی اینجا
تا تاجگذاریتو جشن بگیری و
یه لقمه غذا به ما بدی! در عوض
چیزی از ما می خواهی.

نه نیاز
نداره!

سرگرد اورسوس،
انگار گوش نمی دادی؟ ما
به کمک هم نیاز داریم.



نه
می دونی؟
تو نمی دونم.

بگو که اشتباه
می کنم، تچالا! تو
نمی دونی تو آلاسکا
چه اتفاقی افتاده، مگه
نه؟

اورسوس
داری از حدت
فراتر می ری. بشین
و گرنه...

نه اون
بلک پنتره! اون تا
حالا به چیزی نیاز نداشته!
تا به حال!





هه. مورد
مشکوک از نظر
من غیبت یک مورد
در این اجلاس
شماست.

چرا هیچکس
از ایالات متحده
اینجا نیست؟

کشور که بیشتر از
کرم های زیر پوست من
ابرقهرمان داره. حتی یکی
از اونجا سرمیز ننشسته.



حتی دوست
عزیزت کاپیتان راجرز
هم نیست... شنیدم این
روزها رابطه اش با کشور
خودش هم خوب نیست.

شما یه مشکلی
دارید، شاه انتقام جو.
یه مشکل پرستاره (کنایه
به پرچم آمریکا). ولی هنوز
نمی دونید چقدر بزرگه، مگه نه؟
و از ما می خواهید اونو براتون
حل کنیم.

بذارید از طرف
کل گروه نگهبان
زمستان و مردم خوب
مام میهن روسیه به
شما بگم...



...برید
به جهنم.



هااه!

به همین دلیله
که هیچوقت نباید
یه خرس رو به شام
دعوت کنی.

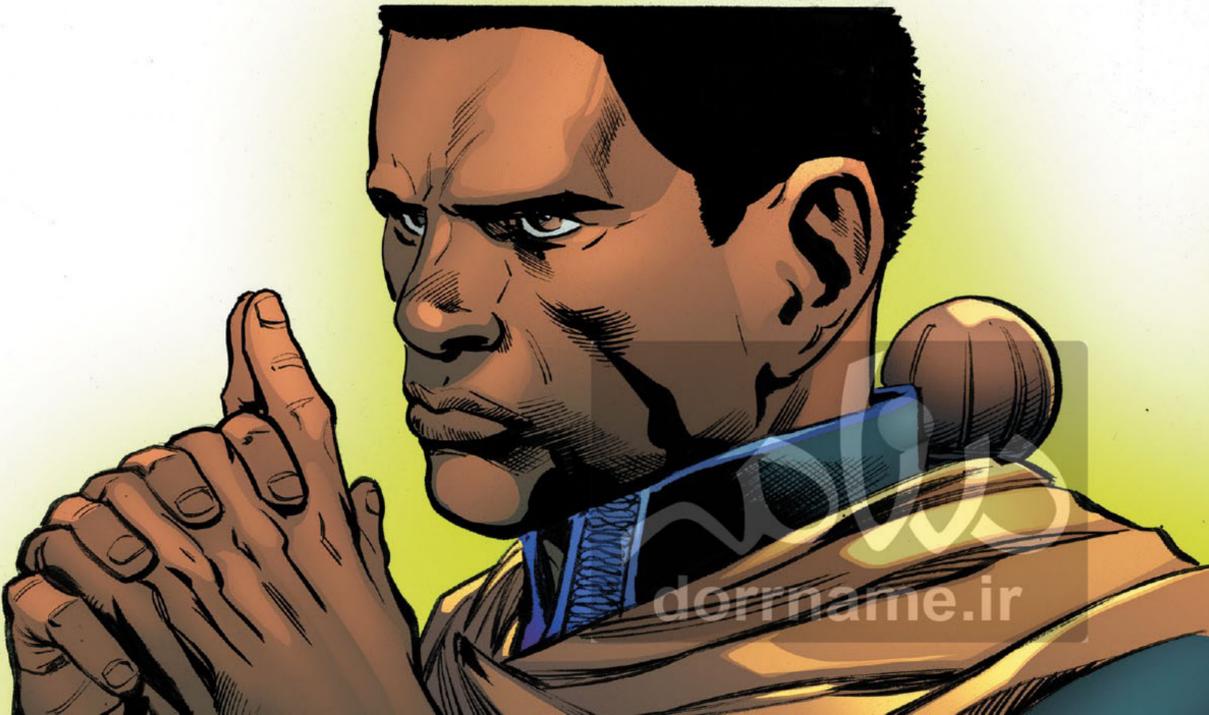
فکر می کردم
که تا تموم شدن
پیش غذا اولین جنگ
بین اعضاء رو نبینم.

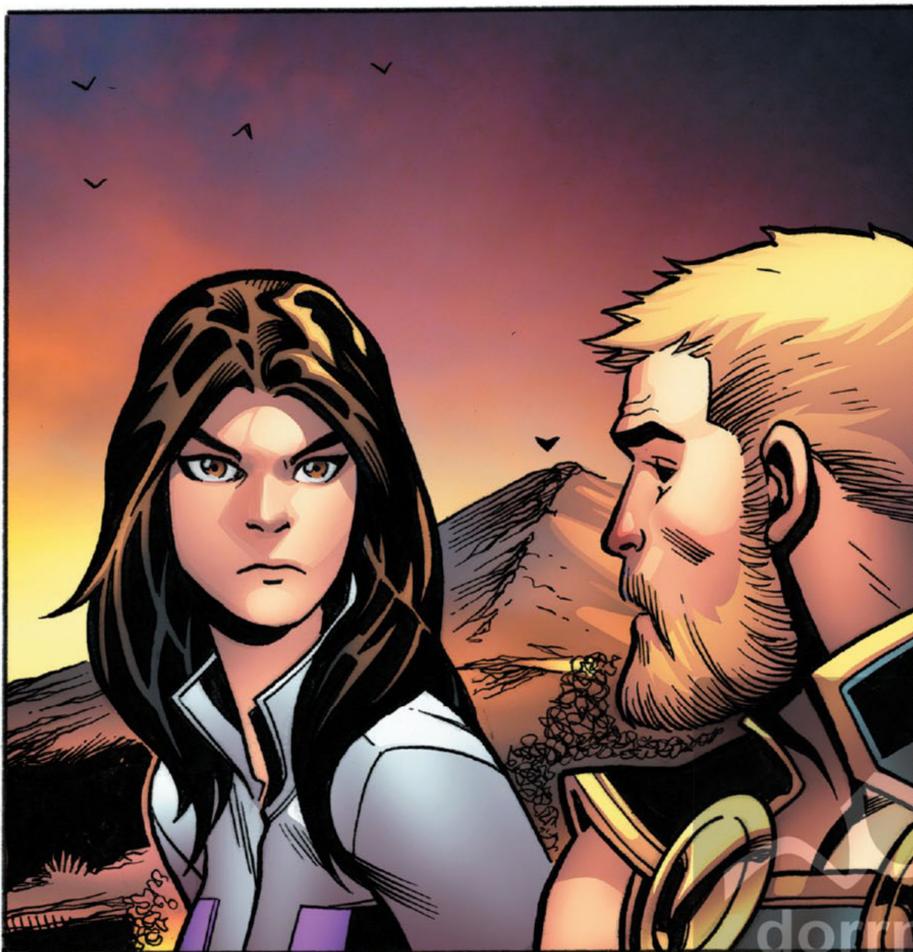
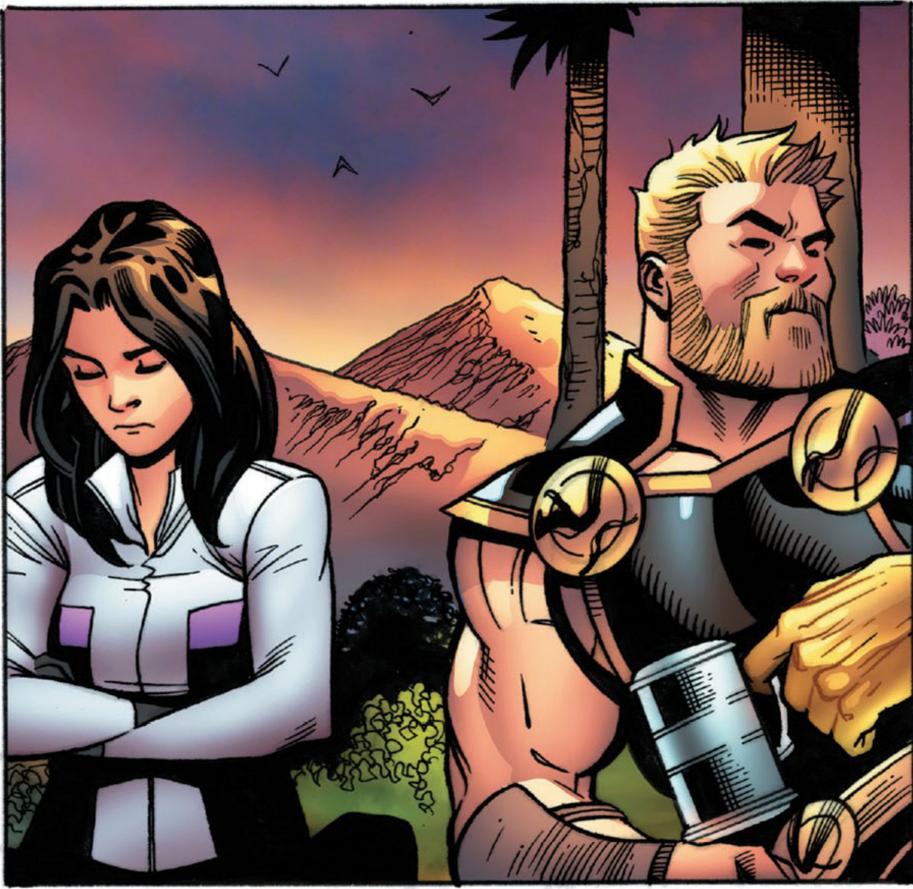
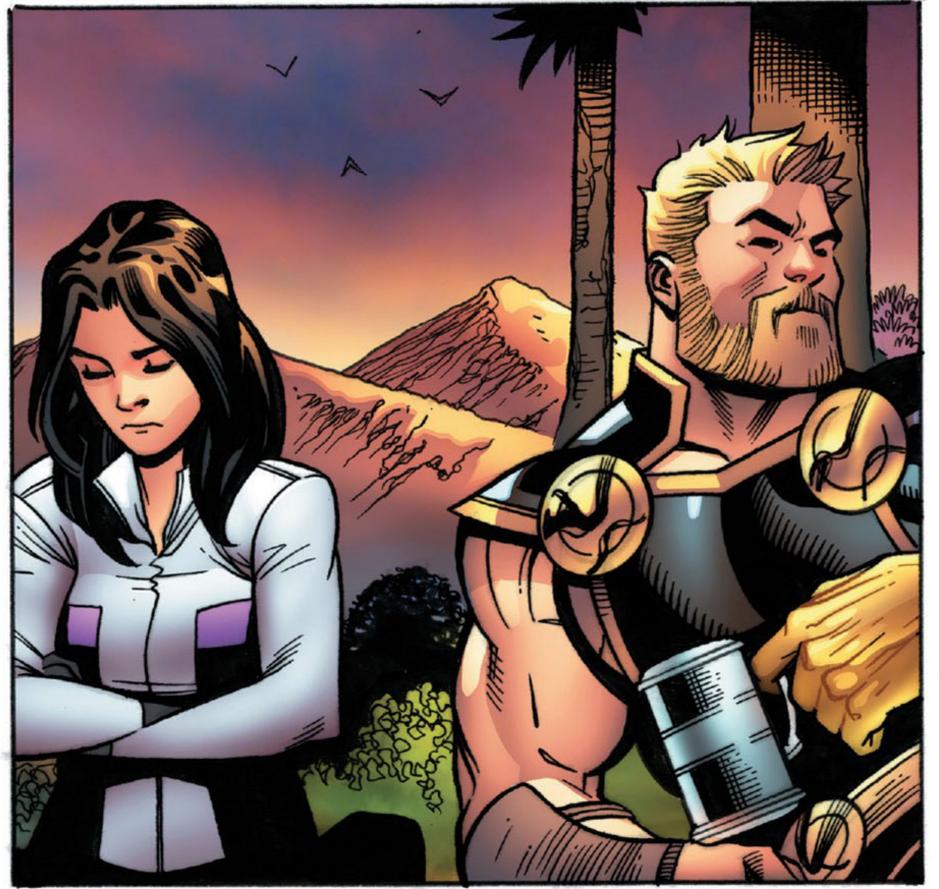
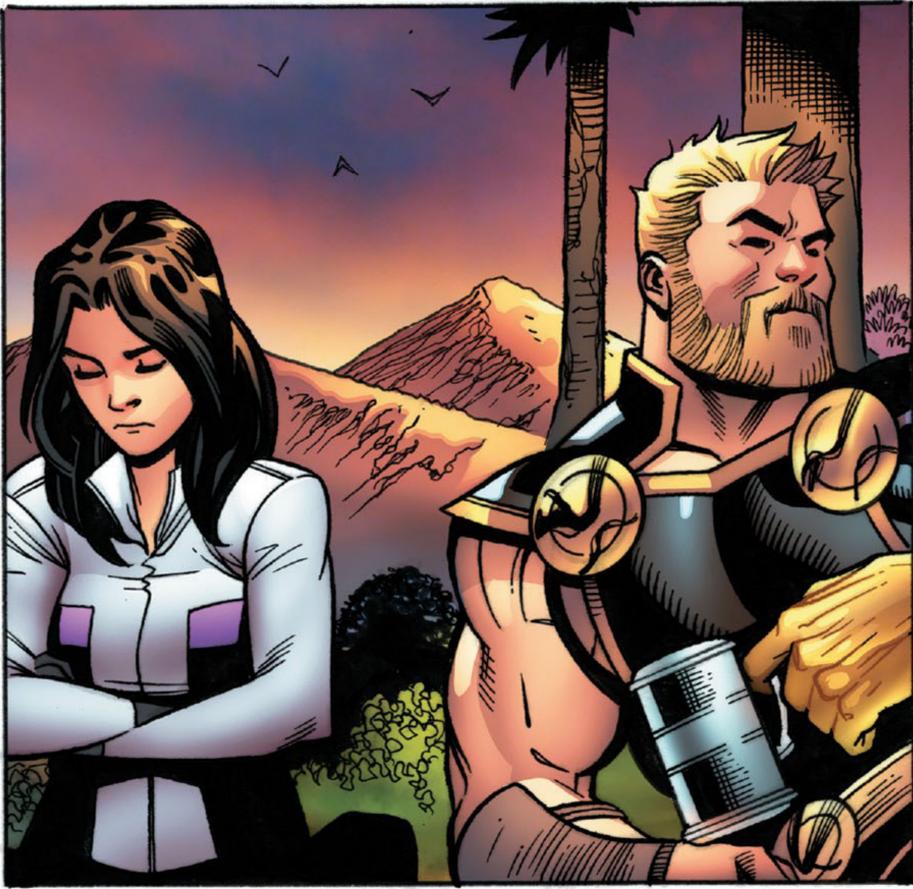
حداقل از
طرف ما نیست.

درسته.
حداقل هنوز برای
دنیا امیدی هست.

همچین
امیدی
نمی بینم.

ها
ها
ها!!





متأسفم،
ولی من هنوز درک
نکردم. من برای انتقام جویان
کار نمی‌کنم. من برای همون
افرادی کار می‌کنم که خودت
هم برایشون کار می‌کنی
مأمور کالسون.

با دروغ
نمیر پسر.

می‌دونم
که مدتی خیلی
طولانی زندگی عادی
نداشتیم. مطمئناً شیلدا ما رو
برای این کار تربیت نکرده بود.
سعی کن راستشو بگی.

موضوع برام
خیلی جالب شده.

دهن تونی
استارک زیادی گشاده.
کاپیتان آمریکا یه خائنه. می‌بینی؟
معادله ساده ایه.

حقیقت اینه که
منو ژنرال تاندربولت راس
استخدام کرد. همون کسی
که شما رو بکار گرفت.

من طرف
تو نیستم قسم می‌خورم.
و کاملاً به این پروژه اعتقاد
دارم. ولی چیزهایی که راس در
مورد کاپیتان راجرز و انتقام جویان
نمی‌تونه درست باشه.

هضم واقعیت
بعضی وقت‌ها سخته.
اخیراً چند دفعه ای سر
این موضوع تا حد
خفگی رفتم.

که این
موضوع شامل
تو هم می‌شه.

و کارفرمای
اصلی تو بلکه
پنتر.

مأمور کالسون.
فیل. ما خیلی وقته که
همدیگه رو می‌شناسیم. سالها
در کنار هم کار کردیم. باور کن هیچ
ایده‌ای در مورد حرفه‌هایی
که می‌زنی ندارم...

می‌خوام
الان به پات
شلیک کنم.



چرت و پرت بسه!

این حرف ها تا حالا چه مشکلی حل کرده!؟



خیلی داری زیاده روی می کنی اورسوس!

بشین، و گرنه می گم جمعیت کنند پاندای بی ادب!

شما یه مشت آدم حرافه و بی مزه می خواهید روی زمین صلح برقرار کنید؟ چگونه از همینجا شروع کنیم؟



همتونو له می کنم! بعد دیگه نیستید که سر راه نگهبان زمستان قرار بگیرید! اینطوری به صلح خواهید رسید!

با تو شروع می کنم اعلیحضرت!

نظرت چیه!؟



انتقال یک نفر به سیبری.



از بابت مشکل
پیش آمده عذرخواهی
می کنم. ولی نباید اجازه بدیم
این حادثه مسیر اجلاس رو تغییر
بده. در مورد خیلی چیزها باید
بحث کنیم.

آیرون من
اینجا رو تمیز
کن.



معلوم بود که می خواد اینطور بشه.

حدافل باید یه مشت بهش می زدی. من تا حالا مبارزه یک خرس یا پلنگ رو ندیدم.

اورسوس مأمور کی جی بی بوده. کاری رو بی اراده انجام نمی ده. داشت شما رو تحریک می کرد. خیلی خوب شد که تحت تأثیر قرار نگرفتید تچالا.



وقتی از نگهلان زمستان دعوت کردم امیدوار بودم کریمسون داینمو بیاد. ولی یه نظرم سرگرد اورسا رو عمداً به این اجلاس فرستادند.

به نظر می رسه هیچ متحدی در مسکو نخواهیم داشت.

شنیدم بتازگی ردویدو فعالیت های زیادی انجام داده.



آتلانتیس جایبه که باید روش متمرکز بشیم. هر بخش از اقیانوس در جهان تبدیل به میدان جنگ شده.

اون بخش از دنیا الان بیشتر در معرض بحرانه. حتماً تا حالا در مورد اتفاقاتی که تو رومانی افتاده، شنیدید. مثلاً هجوم و مپایر ها.

لعنت به این اتاق سرخ. هر هیولایی که تولید می کنند بدتر از قبلیه.

یه کاری باید در مورد نیمور و دارو دسته اش ...

خرس سؤال مهمی پرسید...



...قبل از اینکه بفرستیدش به سیبری.

تو آلاسکا چه اتفاقی افتاده؟



نیروهای نیمور به یکی از دکل های نفتی راکسون حمله کردند. البته خیلی سریع و به درستی متواریشون کردیم.

ولی نه به دست انتقام جویان. نه توسط نگهبان زمستان. و نه توسط هیچکدوم از شما.

پس کی بود؟

من به گفتن اینجور چیزها عادت ندارم...



“...ولی من هیچ ایده ای ندارم.”

بانو جنیفر صبر کنید.



من نمی خواستم اینطور بشه.

بله. چون می خواستی از هالک دعوت کنی. ولی متأسفانه ما هر دو با همیم.

و الان هر دو ما می خواهیم چهره تو رو له کنیم. پس بخاطر توئه که دارم می رم ثور.

تو بودی.



چشمان شما شبیه چشمان مادرمه بانو جنیفر. و این شما بودید که می خواستم وقتم رو باهаш بگذروم.

هنر ثور... در پرتاب پتکش بیشتر به چشم میاد تا در ادای کلمات از دهانش...

ولی من... می خوام با شما بیشتر آشنا بشم بانو.



می دونم چرا شما به جای لبخند زدن له می کنی.

و اینکه چی از درون شما رو از درون می سوزونه. غیر از اشعه گاما البته.

می خوام بدونم کدوم از بخش از جهان هستی رو می خواهید ببینید. کدوم عجایب دنیا رو هنوز ندیدید. می خوام به هر جایی خواستید بهر متون.

می خوام تو سایه اون محل عظیم بشینم و نتونم به لحظه از چشمان شما چشم بردارم.



آیا من عاشق هالک شدم؟ عاشق غولی که اگه بخواد می تونه منو با داستان خالی به دو نیم کنه؟ شاید؟

ولی شما با خدایی صحبت می کنید که بزرگترین روز حیات ابدی خودش رو می خواد در قالب اولین روزی تجربه کنه که قالب فانی داره.

این زنی که درون شی هالکه منو شیفته خودش کرده. این خود شما...



ثور حرف زدن بسه.

”دنیای امروز ما آتش است
با بشکه های باروت.

” اینها را در تمامی گوشه
و کنار جهان می توان دید.

” که منتظر
انفجار هستند.“



با بشکه های
باروت می توئم
مواجه بشم. کار منه.

ولی چیزی
که منو نگران
می کنه... انفجاریه
که نمی توئم
پیش بینی کنم.

انتقام جویان
بزودی از وجود اوها
مطلع می شن ولی تحت
شرایط ما.

فیل، خواهش
می کنم... نمی دونم
چه بلایی سرت اومده...
اگه واقعا مردی، چطور
بر گشتی...
فقط...

می دونم که
خودت نیستی.
تو همچین مردی
نیستی.

کسی که
آدم رو ببندد
و شلیک کنه؟ به
چه دلیل؟

چون همیشه
آدم موقر و منطقی
بودم؟ روز تولدت یادم
بود؟ هیچوقت صدامو
بلند نمی کردم؟ چون
اهل اوهایو هستم؟

من سالها
مأمور شیلد
بودم.

ساده نباش.

"اسکادران برتر"
آمریکا. این اتفاقی بود
که افتاد.

"زمان امتحان اوها
بود.

"و اوها از این
آزمایش سربلند
بیرون اومدند.

"خیلی خیلی
سربلند."

ولی تو نیستی،
مگه نه؟ تو برای شیلد
اینترنشنال ریویو کار می کردی
درسته؟ تو فایل های منو دیدی.
تو دقیقا می دونی من کی
هستم.

تو داری
وقت منو تلف
می کنی. تا کی؟ تا
وقتی بتونی خودتو از
شر اون طناب ها خلاص
کنی؟

فیل... من
ده دقیقه پیش
این کارو کردم.

فقط... امیدوار
بودم بهانه ای داشته
باشم که نکشمت.

قرار نیست
آدم امیدوار
اینجا تو باشی.

این کار
منه.

نور.

KLIK

BLAM

KRASH

THWAK

THUNK

KRAK

CRUNCH

BLAM
BLAM
BLAM
BLAM

THUD

کلیک

خدا آمریکا
را حفظ کنه.



THE WAR OF THE REALMS IS COMING IN 4 MONTHS

MARVEL

11

LGY#701

AARON • MCGUINNESS • SMITH • MORALES • HANNA • ARCINIEGA
EARTH'S MIGHTIEST HEROES

THE

دورنامه

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی